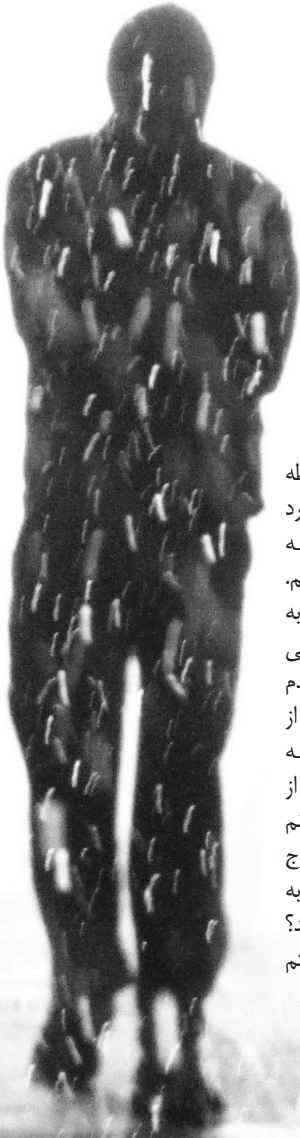




پیش

روستا زاده، و اهل نیشابورم. بعد از این که درسم در مقطع متوسطه تمام شد، فقط به دلیل مشکلات مالی ادامه تحصیل نداده و وارد بازار کار شدم. چند سالی کارم خیلی خوب بود و درآمدم بهتر که این جریان باعث شد که بتوانم همزمان با کار درس هم بخوانم. همچنین در امور معیشتی همراه خانواده باشم و آن‌ها را تأمین کنم به طوری که همواره تکیه‌گاه آن‌ها بودم. پس از این که در ۲۵ سالگی ازدواج کردم و چند ماهی از آن گذشت، به خاطر برداشتن یک قدم نابجا ورشکست شدم. تمام دوستانم را به جهت مشکلات مالی از دست دادم. خانواده‌ام به جهت از دست دادن تکیه‌گاه و هم این که نمی‌توانستند کاری برایم بکنند بسیار دلشکسته شدند و من هم از آن‌ها دلشکسته‌تر، الان ۵ سال است که به هر دری می‌زنم نمی‌توانم از این معضل خلاص شوم و هرچه دعا می‌کنم از این مشکل خارج نمی‌شوم. سؤال مهم من این است که چرا خدا خواست که من به این روز بیفتم؟ مگر خداوند خیر و صلاح بنده‌هایش را نمی‌خواهد؟ این دغدغه بسیار اذیتم می‌کند و دنبال رهایی از این فشار هستم لطفا کمک کنید.

مگر خدا خیرم را نمی‌خواهد

پاسخ

دوست عزیز!

ماجرای کوتاه و غم انگیز مشکلاتی که برایتان رخ داده را خواندیم و متاثر شدیم، امیدواریم خداوند متعال شمارا از این آزمون دشوار سربلند بیرون آورده و به زودی شاهد نامه مسرت بخشی از طرف شما باشیم. قبل از پاسخ دادن به سئوالات شما بد نیست که به نکته‌ای مهم اشاره کنیم و آن این که مشکلاتی از این دست در زندگی هر فردی کم و بیش وجود دارد. اصولاً حکایت دنیا برای انسان حکایت محل برگزاری آزمون‌های سخت است که برای هر فردی به شکلی و به تناسب ظرفیت و توانمندی‌هایش وجود دارد. کسی با مشکلات مالی، دیگری با بیماری، دیگری با از دست دادن عزیزان و... به هر حال این آزمون‌ها برای هر فردی به شکلی برقرار است، پس خودتان را در این مشکلات تنها نبینید، بسیاری افراد را که به شکل‌های گوناگون گرفتار مشکلاتی مانند شما، حتی بسیار سخت‌تر از شما هستند.

به علاوه همه آزمون‌ها به سختی‌ها و بلاها نیست؛ بلکه برخی به دارایی و سلامت و رفاه خود آزمایش می‌شوند که چه بسا در مواردی آزمون نعمت و رفاه سخت‌تر از آزمون فقر و مشکلات است. البته نکته دقیق در شکل بروز این آزمون‌ها این است که خداوند در بسیاری از موارد برای ما نخواسته که ما به فقر آزمایش شویم، بلکه ممکن بود ما هم به دارایی و غنا آزمون شویم. اما این خود ما هستیم که با اشتباهاتمان این شکل مشکلات و فقر و گرفتاری‌های مالی را برای خود رقم می‌زنیم و در واقع شکل آزمون‌مان را تعیین می‌کنیم.

در حقیقت شرایط خاص زندگی حوادث و وقایعی که برای ما رخ می‌دهد، وضعیت حال و آینده ما همه و همه معلول علل خاصی هستند که خودمان در بروز آن‌ها نقش کلیدی بازی می‌کنیم و نباید از آن‌ها غافل باشیم. فردی ممکن است بر اثر یک اشتباه در جوانی سلامت جسمی خود را از دست بدهد و تا آخر عمر از این موضوع رنج بکشد و البته به این بلا آرموده شود، اما نباید از یاد برد که حادثه‌ای که پیش آمده معلول اشتباه خودش بوده؛ نه کس

دیگر.

نکته مهمی که در این میان باید به آن توجه داشته باشید این است که تجربه بسیاری از افراد نشان داده که این مشکلات و سختی‌ها دائمی و همیشگی نیستند و بالاخره به پایان می‌رسند، خداوند خود وعده گشایش و رفع مشکلات را داده و فرموده «همانا با هر سختی گشایشی نیز هست» قبول داریم که ۵ سال زمان کمی نیست، اما در یک زندگی آبرومندانه و موفق که در آینده انشاءالله در پیش رو دارید چندان به حساب نمی‌آید. در هر حال صبر و توکل‌تان را از دست ندهید و از توسل به ساحت ائمه (علیهم‌السلام) غافل نباشید.

اما در مورد سئوالی که پرسیده‌اید باید بگوییم یقیناً همه اتفاقات و حوادثی که در زندگی برای ما رخ می‌دهد بر اساس حکمت‌های خداوند و مصالحی است که به صلاح ما بوده و هست، اما نباید نقش خود را نیز در این حوادث فراموش کنیم و همه چیز را به حکمت و خواست خدا گره بزنیم، حتی اگر غفلت و اشتباه از ما بوده باشد. هم‌چنین نباید فراموش کنیم که منظور از سعادت و صلاح، تنها برای جسم و دنیای‌مان نیست، بلکه مصلحت اصلی برای حقیقت وجودی ما و زندگی حقیقی ماست که آمیخته از دنیا و آخرت است. دقت کنید که هیچگاه همه سعادت و حقیقت و حکمت‌های الهی را تنها در دنیا و در حل مشکل خاصی که اکنون در پیش رو دارید نبینید. چه بسا راحتی و خوشی و تمکن مالی و بسیاری از امور دیگر برای دنیای ما خوب باشد، اما موجب نابودی آخرت ما و زندگی حقیقی‌مان در جهان جاوید و همیشگی باشد.

البته یقیناً خداوند سختی و رنج و سرافکندگی بندگانش در دنیا را نمی‌خواهد و عزت و آبروی مؤمن در نزد خداوند از هر چیز دیگری مهمتر و عزیزتر است. اما باور داشته باشید که همین من و شما ممکن است در اوضاعی که به ظاهر خوب و خوش وقابل قبول است، دین و عاقبت‌مان را تباه و نابود سازیم و خدا در مورد برخی بندگان که آن‌ها را بیشتر دوست می‌دارد، سختی در دنیا را لااقل در بخشی از زندگی رقم می‌زند تا سعادت و خوشی در آخرت را از دست ندهند.

در نتیجه سعی کنید در عین این که منشاء مشکلات را اشتباه خود می‌دانید و از فرافکنی مشکلات خودداری می‌کنید، روحیه رضایت

از تقدیرات خداوند را در وجودتان بالا ببرید و حتی در سخت‌ترین حالات در عین عمل به وظایف و تکالیف خود، به قضای الهی راضی باشید و همه مشکلات را همانند داروی تلخی بر دردهای ناپیدای وجودتان بدانید. به قول حافظ:

کار خود گر به خدا بازگذاری حافظ
ای بسا عیش که با بخت خداداد کنی
پیشنهاد می‌کنیم این آیه شریفه را زیاد تکرار نمایید که: «أَفَوَضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (غافر، ۴۴) کارم را به خدا واگذار می‌کنم... همانا خدا به حال بندگانش بینا تر است»

در مورد وضعیت شما واقعا نمی‌توانیم به راحتی قضاوت کنیم، اما آن‌گونه که از نامه‌تان بر می‌آید، به اشتباهی که منجر به این همه رنج و مصیبت شده؛ معترفید. اما به نظر می‌رسد ریشه اصلی بروز این مصیبت را پیدا نکرده‌اید. تا به حال از خود پرسیده‌اید که دلیل بروز اشتباه چه بوده؟ آیا فقط یک اشتباه در محاسبه کوچک یا تصمیم نادرست عامل این همه بدبختی بوده یا اشتباه در حقیقت معلول اشتباهات دیگر در روش و عمل و تصمیمات نادرست قبلی بوده؟ آیا در زمانی که وضع خوبی داشتید، کاملاً درست و براساس وظایف شرعی عمل می‌کردید؟

به هر حال ممکن است در جایی دچار مشکلی بودید و حق را از کسی ضایع کردید که هنوز آن مشکل دامنگیرتان است. به علاوه ممکن است هم اکنون هم در وضعیت بحرانی‌تان باز از مسیر درست در مقام حل مشکلات نباشید. البته ممکن است هیچ یک از این مسائل هم نباشد و در عین عمل به وظایف و دقت در انتخاب راه درست، درگیر این مشکلات شده باشید. در هر حال لطف خدا را در بدترین شرایط شامل حال خود بدانید و از توکل به او و درخواست گشایش در کارتان مایوس نشوید. از توسل به عنایات امام رضا (علیه‌السلام) که همسایه ایشان هم هستید نیز غافل نشوید.